

نویسنده: بهادرا کومار [M K Bhadrakumar](#)

منبع: اشیا تایمز Asia Times

برگردان: از انگلیسی به فارسی دری اسد الم

از سرنگونی حکومت در اوکراین تا پایگاه های نظامی آمریکا در افغانستان

یادداشت مترجم: عنوان اصلی این مقاله "انقلاب رنگین در اوکراین و تاثیر آن بر استپ های آسیای مرکزی" است. اما من ترجیح دادم که آن را با توجه با ماخذ هایی که در زیر این مقاله نوشته شده است به "از سرنگونی حکومت در اوکراین تا پایگاه های نظامی آمریکا در افغانستان" تغییر بدهم.

برای روسیه دیگر هیچ چاره ای جز افشای اطلاعات محرمانه بسیار مهم در دست داشته اش در مورد عملیات استخباراتی غربی در رابطه با قبضه قدرت در کیف باقی نمانده بود. این خود شگفت آور است که روسیه این اطلاعات را در اختیار شورای امنیت سازمان ملل قرار می دهد و درخواست برگزاری تحقیقات بین المللی بی طرف را می کند.

البته، هر گونه حرکتی برای تحقیقات بی طرف توسط ایالات متحده ویتو یا رد خواهد شد. روسیه هم این را می داند، اما با وجود این، جنگ اطلاعاتی در مورد اوضاع اوکراین وجود دارد و از نظر مسکو هر قدر تشنج ها افزایش یابد، همان قدر افشای این نکته که روایت ایالات متحده آمریکا از این رویداد ها صرفا یک ادعای میان تهی است، امر اجتنابناپذیر می گردد.

واضح است که پولند و لیتوانی جرات آموزش افراط گرایان را برای سرنگونی یانوکویچ بدون گرفتن علامت سبز از واشنگتن نداشته اند. و باید گفته شود که روسیه این راز مگوی استخباراتی ایالات متحده آمریکا را در ملل متحد عیان می سازد.

مسائل نهایت جدی است، زیرا رئیس جمهور باراک اوباما را نزد عموم به مثابه یک «جنگجوی جنگ سرد» معرفی می کند، این در حالی است که تبلیغات رسمی آمریکا تلاش می کند تا ما را معتمد سازد که رئیس جمهور یک سیاستمدار در مانده است که تا حد زیادی تحت مجبوریت سیاسی داخلی اقدام می کند. نتیجه آن این است که هیچ راهی وجود ندارد که روابط پاره پاره آمریکا و روسیه در طول مدت باقیمانده از ریاست جمهوری اوباما ترمیم شده بتواند. به همان اندازه هم هیچ راهی برای روسیه وجود ندارد جز این که هوشیاری اش را در مورد فعالیت های اطلاعاتی ایالات متحده در مرز هایش حفظ کند.

بنابر این چنین امری نمی‌تواند مانند یک معامله معمولی در افغانستان و آسیای مرکزی باشد که هدف آن به اصطلاح تنظیم مجدد روابط ایالات متحده آمریکا و روسیه پنداشته می‌شد. این را هم نباید فراموش کرد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نقش کلیدی در ایجاد پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی بعد از حمله 11 سپتامبر سال 2001 بازی کرد.

روسیه در مورد استقرار پایگاه‌های نظامی در افغانستان توسط ایالات متحده و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی موقف دو گانه داشت. اما اتفاقات اخیر راه را برای احساس نگرانی زیادی در مورد پیامدهای دراز مدت و غیر قابل پیش بینی، حضور نظامی غرب در منطقه برانگیخت.

مطمئناً مسکو از این پس با احتیاط بیشتری به این ادعای حکومت اوپاما می‌نگرد که گویا ایالات متحده آمریکا به سود مردم افغانستان و برای ثبات منطقه‌یی و به خصوص برای جلوگیری از جنگ بر سر قلمروها بین هند و پاکستان، می‌خواهد در افغانستان حضور نظامی دراز مدت داشته باشد.

نیت بد و اشنگتن در اوکرایین باید در مسکو زنگ خطر را در مورد توانایی بسیار زیاد دستگاه استخبارات مرکزی ایالات متحده آمریکا (سی ای ای) برای استفاده از خاک افغانستان جهت "تغییر رژیم" در آسیای میانه و دامن زدن به مشکل در قفقاز شمالی، به صدا در آورد.

در واقع، حمله جدید به نگهبانان مرزی ترکمنستان توسط عناصر ناشناخته از افغانستان منادی آنچه انتظارش می‌رود، است. البته طالبان مورد سرزنش قرار داده می‌شود (اگر چه عشق اباد نگرانی کشته شدن سه نفر از نگهبانان ترکمن در این حادثه را نزد خود نگه می‌دارد.)

اما چرا باید طالبان به ترکمنستان حمله کنند و موجب آزار عشق آباد شوند، که طبق عادت تنها و واقعا یگانه پایتخت آسیای مرکزی است که رابطه مستحکم ویژه و خوبی با کابل حتی در زمان حکومت طالبان در اواخر 1990 داشته است؟

به بیان دیگر، به نظر می‌رسد که کسی قصد ساختن یک پرونده خوب را برای متقاعد کردن عشق آباد (که سیاست خارجی اش بر اصل "بی طرفی مثبت" استوار است) دارد که گویا ترکمنستان نیاز به قدری کمک از طرف ایالات متحده و ناتو برای حفظ امنیت اش دارد.

بر حسب تصادف، حادثه 1 ماه مارچ در مرز ترکمنستان و افغانستان همزمان با انتشار گزارش‌هایی اتفاق می‌افتد که سازمان اطلاعات استخبارات ایالات متحده آمریکا شدیداً به دنبال یافتن تسهیلاتی در آسیای مرکزی برای حمایت از عملیات ترصدی هواپیمای بدون سرنشین است

باید مطمئن بود که رژیم‌های آسیای مرکزی دقیقاً آن انکشافاتی را زیر نظر دارند که در اوکرایین به وقوع می‌پیوندند. آنها در پرتو افشای گزارش‌های اطلاعاتی "محرمانه" مسکو می‌دانند که ناقوس خطر برای آنها نیز به صدا در آمده است. نشانه‌های ترس نهفته در منطقه از تصمیم دوشنبه برای جلوگیری از پخش برنامه‌های «رادیو آزادی» و «اروپای آزاد» دیده می‌شود که توسط دولت ایالات

متحدہ تاسیس شدہ است۔

یک چرخش جالب در "انقلاب رنگی" حاضر اوکرایین این است که سازمان استخبارات ایالات متحدہ آمریکا، ملی گرایان خیلی تندرو را به عنوان سربازان برای کودتا سازماندهی می کند. این در حالی اتفاق می افتد که رژیم های پس از فروپاشی شوروی در آسیای مرکزی، به ویژه ازبکستان و قزاقستان، نیز (به دلایل مختلف) احساسات ناسیونالیستی را تشویق می کنند تا آنها در عمق جامعه خود راه دهند و ممکن است این کار روزی بلای جان خود آنها شود، این در صورتی است که قدرت های خارجی ملی گرایان خیلی تندرو را برای پیاده کردن اهداف شان انتخاب کنند، همان گونه که در اوکرایین کردند. حوادث در اوکرایین بر این نکته تاکید می کند که از خشم مردم به چه سهولتی توسط قدرت های خارجی بهره برداری می شود تا "تغییر رژیم" را روی دست گیرند. در ظاهر امر، منطقه آسیای مرکزی آرام به نظر می رسد، اما تقریباً تمام عناصری که اوکرایین را به یک آتشفشان مبدل ساخت در آنجا در انتظار فوران وجود دارد.

استحکام و حضور نظامی روسیه در آسیای مرکزی یک پس منظر جیوپولیتیکی گسترده دارد. تفکر روسیه تا کنون چنین بوده است که روسیه از یک طرف و ایالات متحدہ آمریکا و ناتو از جانب دیگر هرگاه نمی توانند رقابت بر سر منافع شان را از بین ببرند، می توانند آن را به حد اقل برسانند. اما عوامل بی ثبات کننده، امنیت و ثبات آسیای مرکزی و افغانستان را زیر تاثیر قرار می دهد. با این هم، تحولات اوکرایین آشکار می سازد که ایجاب می نماید تا مشی های رهنما تغییر کنند. کافی است که گفته شود برای کرملین بسیار مخاطره آمیز خواهد بود اگر بیشتر از این به ایالات متحدہ آمریکا و ناتو به مثابه شرکایش بنگرد. مسکو نمی تواند نادیده بگیرد وقتی که زیبگنیو برژنسکی نویسنده کتاب معروف، تخته بزرگ شطرنج (The Grand Chessboard)، امروز آشکارا در مورد بسیج ناتو صحبت کرده و می گوید: "توظیف نیروها در اروپا مرکزی طوری باید باشد که ما در صورت بروز و گسترش جنگ برای پاسخ آماده باشیم."

اصل مقاله

[Ukraine's shadow on Central Asian steppes](#)

Russia is increasingly left with no choice but to 'declassify' the privileged information in its possession regarding the western intelligence operation that forced the power grab in Kiev. It is extraordinary that Russia handed over to the UN Security Council the information with the request to hold an impartial international investigation.

Of course, any such move for impartial investigation will be vetoed by the United States. [Russia knows it](#), too, but then, there is also an information war going on today regarding the situation

around Ukraine and from Moscow's point of view, as tensions keep rising, it has become imperative to expose the US' narrative to be sheer baloney.

Clearly, Poland and Lithuania would not have ventured into the operation to train extremists to overthrow Yanukovich without getting the green signal from Washington. That is to say, Russia is putting on the horseshoe table at the UN the intelligence regarding a Holy Grail that belongs to the White House.

This is deadly serious stuff because it casts President Barack Obama in an altogether new light as a 'cold warrior' himself, whereas the American [official propaganda](#) would have us believe that the president is a helpless statesman largely acting under domestic political compulsions.

What emerges on balance is that there is no way the US-Russia tattered ties can be mended during the remaining period of Obama's presidency. Equally, there is no way Russia is going to let down its guard about the US intelligence activities in its 'near abroad'.

Thus, it cannot be business as usual in Afghanistan and Central Asia, which used to be an important template of the so-called US-Russia reset. Lest it is forgotten, President Vladimir Putin played a key role in establishing the American military bases in the Central Asian region in the aftermath of the 9/11 attacks in 2001.

Again, up until now, Russia took an ambivalent position on the establishment of military bases in Afghanistan by the US and North Atlantic Treaty Organization. But all this will give way to a sense of great wariness about the implications of long-term, open-ended western military presence in the region.

Indeed, the Obama administration's pretence that the US will be doing a favor for the Afghan people and regional stability — and especially to [contain the India-Pakistan turf war](#) in the Hindu Kush — by keeping long-term military presence in the region will henceforth be taken by Moscow with more than a mere pinch of salt.

Washington's male fide intentions over Ukraine should alert Moscow to the great potential for the CIA to use Afghan soil to bring about 'regime change' in Central Asia and to foment trouble in North Caucasus.

In fact, the recent attack on the border guards of Turkmenistan from elements of obscure origin from Afghanistan is a harbinger of what to expect. Of course, the blame got to be put on the Taliban (although Ashgabat is keeping its thoughts to itself over the incident in which three Turkmen guards were killed.)

But why should the Taliban attack Turkmenistan and annoy Ashgabat, which used to be the one and only genuinely friendly Central Asian capital that uniquely maintained good rapport with Kabul even during the Taliban rule in the late 1990s?

Put differently, someone seems to be making out a good case to convince Ashgabat (whose foreign policy is riveted on the principle of 'positive neutrality') that Turkmenistan does need some help from the US and NATO as a provider of security.

By coincidence, the [March 1 incident on the Turkmen-Afghan border](#) comes amidst reports that the US intelligence is keenly looking for facilities in Central Asia for supporting the drone aircraft's surveillance operations.

To be sure, Central Asian regimes will be keenly watching the developments unfolding in Ukraine. They would know in the light of the intelligence reports that Moscow has 'declassified' that the bell tolls for them as well. Symptomatic of the latent fears in the region is the decision by Dushanbe to block the broadcast by the US government-funded Radio Liberty & Free Europe.

A curious twist to the current 'color revolution' in Ukraine is that the US intelligence organized the ultra-nationalists as the foot soldiers to stage the coup. It so happens that the post-Soviet regimes in Central Asia, especially Uzbekistan and Kazakhstan, have also encouraged (for a variety of reasons) nationalist sentiments to take root in their society and it may come to haunt them if foreign powers co-opt the ultra-nationalists as has happened in Ukraine.

The events in Ukraine underscore the ease with which bottled up popular resentments can be exploited by foreign powers to push for 'regime change'. On the surface, the Central Asian region remains calm but almost all the elements that made Ukraine into a volcano waiting to erupt are existent there.

The [beefing up of the Russian military presence](#) in Central Asia, therefore, has a huge geopolitical backdrop. The Russian thinking has hitherto been that Russia on one side and the US and the NATO on the other side would have a congruence of interests to minimize, if not eliminate, the instability factors affecting the security and stability of Central Asia and Afghanistan.

However, as Ukraine developments unfold, there is bound to be a paradigm shift. Suffice to say, it will be too risky for the Kremlin to contemplate the US and NATO as benign partners anymore. It cannot be lost on Moscow that the author of the famous book, The Grand Chessboard, Zbigniew Brzezinski is today [openly talking about](#) NATO mobilization, "deploying forces in Central Europe so we are in a position to respond if war should break out and spread."

Posted in [Military](#), [Politics](#).

Tagged with [Post-2014 Afghanistan](#), [Ukraine's color revolution](#), [US bases in Afghanistan](#).

By [M K Bhadrakumar](#) – March 9, 2014